

در نامه «گوهر» این مبحث گشوده میشود و صاحب نظران و نقادان میتوانند با رعایت کامل همه جوانب کار هر شعر یا نثر و کتاب و رساله و مقاله را، در کمال ادب و نزاکت و انصاف و بطور مستدل و منطقی، مورد بحث و نقد قرار دهند و نظرات صائب خود را، آزادانه، ابراز دارند.

این نکته گفتنیست که بر حسب اصول متعارف و متداول جهان، نوشته‌ای و کتابی و بطور کلی اثری در خور بحث و نقد صاحب نظران است که بر آستی بلند پایه و گرانمایه و نفز و سنجیده و مهم و عالی و صاحب آن عالم و فاضل و محقق و متبحر باشد و در حقیقت به ارزش نقد و بحث بیارزد پس از این نظر، انتقاد علامت تکذیر و تحقیر نیست بلکه نشان تکریم و تعظیم است.

نقد و بحث

نقد و بحث بر کتاب مجمل التواریخ و القصص

تصحیح شادروان استاد ملك الشعراء بهار

چاپ اول ۱۳۱۸ شمسی

ص ۳۵۳ س ۳ «لوی» ظاهراً باید لون باشد که مراد رنگ سیاه است که شعاع عباسیان بوده است و مراد از تخمه دودمان است.
«بسیاری زیادت و» ظاهراً «بسیاری زیادت در» صحیح است.

* آقای عبدالحمید بدیع الزمانی، استاد دانشکده ادبیات و دانشکده الهیات دانشگاه تهران. از ادیبان و دانشمندان گرانمایه معاصر.

ص ۳۵۳ س ۶	«سعدالقراط» چنین اسمی دیده نشد اما در تاریخ طبری (چاپ دار- المعارف ج ۵ ص ۲۳۹) شخصی بنام «سعدالقرظ» (بفتح اول و ثانی وظای مؤلف نقطه دار) وارد شده است که احتمالاً شخص مذکور در متن باید همین باشد.
» » » ۶	«مولی» این کلمه اگر در عبارت عربی باشد بهمین صورت نوشته میشود ولی در فارسی باید «مولای» نوشته شود.
» » » ۷	«بعمارت» نادرست و «بعمارة» صحیح است و مراد از عبدالله خود مأمون است.
» » » ۸	«اثنین» غلط و «اثنتین» صحیح است.
» » » ۸	«مایتین» املائی صحیح این کلمه «ماتین» است که گاهی «متین» هم نوشته میشود.
» » » ۱۱	«صغر» بهتر آنست که فعل بصورت مفرد مؤنث در آید یعنی «صغرت».
» » » ۱۱	«أحیاء» نادرست و «أحیاء» که مصدر باب افعال باشد صحیح است
» » » ۱۳	«فهم» بعد از این کلمه عبارتی ساقط شده است که باید چنین باشد «سواء فی حقوق الله»
» » » ۱۳	«وضع» ضمّه عین نادرست است و باید مکسور باشد زیرا عطف است بر «أمر ب...»
» » » ۱۷	«حیلها» این کلمه باید بصورت «حیلهها» نوشته شود.
ص ۳۵۴ س ۶	«فجاء» چنانکه در پیش گفته شد وجه صحیح این کلمه یا فجاءة است بضم فاء و سکون جیم و فتح همزه با تاء تأنیث در آخر یا فجاءة بضم فاء و جیم و بعد از جیم الف سپس همزه و ناء تأنیث.
» » » ۱۴	«برعنبر» نظر محشی وجهی ندارد و ظاهراً باید «به عنبر» یا «باعنبر» باشد.
ص ۳۵۵ س ۱۰	«بازیرا کنندند» ظاهراً مردمان یا حضار بازیرا کردند.
» » » ۱۹	«جمادی الاخر» نادرست و «جمادی الاخرة» درست است.
» » » ۲۱	«طا وک» اشتباه و «ط وکا» صحیح است.
» » » ۲۲	ک اشتباه و کا صحیح است.
» » » ۲۲	«الجیم» غلط و «لجیم» با ضم لام و جیم هردو صحیح است.
» » » ۲۲	«لغام...» نادرست است لغام چنانکه در کتب لغت عربی آمده است بمعنای کفی است که از دهان شتر بیرون می آید و فعل هم دارد.

ص ۳۵۵ س ۲۳	ك اشتباه و كا صحیح است.
» ۳۵۶ » ۲	«بزردي» اشتباه و «مايل بزردي» صحیح است.
» » ۶	«مولی» غلط و «مولای» صحیح است.
» » ۶	«لوی» باید روی واو همزه باشد.
» » ۷	«الکاتب» غلط مطبعی و صحیح الکاتب است.
» » ۷	مولی غلط و مولای صحیح است.
» ۳۵۷ » ۲۰	طا اشتباه و ط صحیح است.
» » ۴	«فرمود کرد» ظاهراً «فرمود کردن» صحیح است.
» » ۴	«بایر» مقصود از این کلمه معلوم نشد.
» » ۶	ماورالنهر این کلمه با تخفیف از ماوراءالنهر معمول بوده و بکار میرفته است.
» » ۸	«حادثها» «حادثهها» بهتر است.
» » ۱۱	«بصید» ظاهراً «بکید» صحیح است.
» » ۱۶	بمعتصم ظاهراً بومعتصم بهتر است.
» ۳۵۸ » ۱۲	وهیجدهم باید درهیجدهم باشد.
» » ۱۸	الخاتم باید بدون ال باشد.
» » ۱۸	يعطيك بنا بر قواعد باید يعطك باشد بدون ياء
» » ۲۴	درهرسه مورد ك اشتباه و كا صحیح است.

(۲)

یادداشت‌هایی بر کتاب «التوسل الی التوسل»

تالیف بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی،

منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه. قرن ششم هجری

تصحیح شادروان احمد بهمنیار

چاپ تهران-۱۳۱۵ شمسی شرکت سهامی چاپ

ص ۲۶ س ۲	«بینت» نادرست و تثبت با تاء دونقطه و ثاء سه نقطه و بای يك نقطه در زیر درست است چنانکه محشی اظهار نظر کرده است.
» » ۱۵	«عمد» چنانکه در متن آمده با میم درست است نه با هاء هوز.
» ۲۷ » ۱۶	«واوفوا بالعهدان العهدکان مستولاً» این قسمت جزئی از آیه سوره اسراء است و در تصحیح آن امتداد به نسخه بی مورد است.

«تقلد و اشغال» نادرست و تقلید اشغال صحیح است . یعنی واگذار کردن کارها.	۶	»	۲۸	»
«مال مقنن» این عبارت مشکوک بنظر میرسد و احتمال می‌رود که « حال متیقن » باشد	۸	»	»	»
ظاهر آ بعد از کلمه تبسط کلمه « ورزد » حذف شده است.	۱۴	»	»	»
در قرآن مجید « وتعاونوا... » آمده است که در این متن حرف واو حذف شده است.				
« یحکم... یقتضیه » یحکم بضم یاء و کسر کاف از باب افعال و یقتضیه با قاف و ضاد از فعل ثلاثی مجرد صحیح است.	۲۱	»	»	»
« بقاه ولواه » صحیح این دو کلمه « بقاه ولواه » است.	ص ۲۹	س ۵۴		
« بافاضت عدل معدلت » عدل کلمه‌ای زائد و مخجل معنی است و تنها معدلت کافی است.	۱۴	»	»	»
« سنة ثلث » گرچه نوشتن این لفظ با الف مانند کلمات دیگر نیز رواست ولی بهتر آنست که بدون الف نوشته شود ولی بعد از کلمه سنه «ثلاثه» غلط است زیرا سنه مؤنث است و مضاف الیه آن باید بحذف تاء باشد.	۱۸	»	»	»
«منظویست» شاید اشتباه مطبعی باشد و صحیح آن با طاء بی نقطه است یعنی «منطوی».	۱	»	۳۰	»
«اسبغ الله تعالی رحمة علیه الواسعة» عبارت نسخه پاریس نادرست و صحیح آن « اسبغ الله علیه رحمته الواسعة » است.	۲۱	»	»	»
« و در تحصیل مراضی مراعی ماساعی » ظاهر آ صحیح عبارت چنین است « و در تحصیل مراضی مراعی ما (یاداعی) وساعی ».	۳	»	۳۱	»
مقتضی نادرست و مقتضای صحیح است.	۶	»	»	»
« و کس » واو زائد و بی معنی و بجای آن باید « که » باشد.	۱۳	»	»	»
« برسد می افزاید » برسد نادرست و صحیح آن « برشد » باشین منقووط است .	۱۴	»	»	»
«زاده الله شرفه » زاده با هاء ضمیر غلط وزاد صحیح است.	۲۳	»	»	»
« اندیشهها » باید اندیشه‌ها نوشته شود تا با اندیش که اسم فاعل مرخم است و هیچگاه به تنهایی یا در نخستین جزء کلمه مرکب واقع نمیشود مشتبه نگردد. و بهمین دلیل کلمه اندیشمند که اخیراً در میان مردم عامی شایع شده است نادرست است.	ص ۳۲	»	۳	